



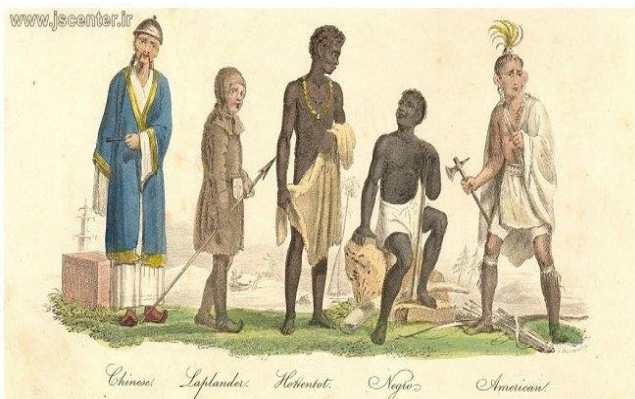
۲۰۱۹/۰۲/۲۱



ارسالی : داکتر شمس (اندیشکده اطلاعات)

تکوین فرضیه‌های نژادی

نادرستی فرضیه‌های نژادی آریا، سامی و ترک (قسمت دوم پیوست گذشته)



تعمیم رده‌بندی گیاهان و جانوران که بر اساس شکل ظاهری انجام می‌گرفت به انسان‌ها، در اواخر قرن 17 میلادی در اروپا آغاز شد. تا آن زمان در رده‌بندی گروه‌های انسانی رنگ پوست عامل تعیین کننده بود.

فرانسوا برنیه (Francois Bernier) طبیب فرانسوی بر اساس مشاهدات خود در کشورهای آسیایی گروه‌های انسانی را بر اساس صفات ظاهری و جسمانی، مانند شکل چهره، حالت موی سر، شکل دندان و لب و بینی، رده‌بندی و بر اساس این مشخصات کره زمین را به سه منطقه تقسیم نمود:

1) اروپا، آفریقای شمالی، آسیا و هند

2) جنوبی صحرای آفریقا

3) آسیای مرکزی، شمالی و شرقی تا حوالی مسکو

در این سه منطقه سه نژاد 1 :- اروپایی 2- سیاه 3- مغول زندگی می‌کردند. برنیه ساکنان آمریکا را جزء اروپا محسوب می‌داشت (1).



فرانسوا برنیه ؛ دکتور فرانسوی

برای تعمیم رده‌بندی دنیای جانوران و گیاهان به انسان‌ها، به کار بستن دو نظریه در روش تقسیم‌بندی ممکن بود:

1- اگر این نکته پذیرفته می‌شد که صفات جسمی و فکری و فرهنگی هر یک از نژادهای انسانی امروزی، ارثی بوده و اجداد اولیه هر گروه نیز همین صفات و مشخصات را داشته‌اند و بدین سبب **نژادهای انسانی**، جدا از یکدیگرند، می‌بایست برای هر یک از نژادها و گروه‌ها، **آدم و حوایی** با همین مشخصات امروزی پذیرفته می‌شد و این بدان معنی بود که انسان‌ها جدا از یکدیگر خلق شده‌اند.

چنین نظر و تصویری در مغایرت با متون و اعتقادات مذهبی قرار داشت (و دارد) و به این جهت در جوامع مسیحی اروپایی نمی‌توانست مورد قبول عامه مردم قرار گیرد، گرچه در قرون 18 و 19 گروهی از «**نژادشناسان**» به خلقت گروه‌های انسانی و وجود **آدم و حوای** متعدد اعتقاد داشتند و آن را تبلیغ می‌کردند.

2- اگر این نکته پذیرفته می‌شد که همه انسان‌ها دارای اجداد مشترک و منشأ مشترک‌اند (آدم و حوا) در این صورت می‌بایست برای تفاوت‌های جسمی و ظاهری و به سبب آن تفاوت‌های فرهنگی و فکری گروه‌های انسانی دلایل دیگری ذکر می‌گردید که مهم‌ترین آن‌ها می‌توانست اثر شرایط محیط زیست باشد. (2) گفته می‌شد که انسان‌ها پس از خلقت به صورت گروه‌های متعدد از یکدیگر جدا شده، هر یک در اقلیمی اقامت کرده و تحت شرایط اقلیمی مشخصات پوستی جسمی، فکری و فرهنگی خاص یافته‌اند و این خصوصیات بر اثر گذشت زمان ارثی شده است. به سخن **نژادپرستان** امروزی، شمالی‌های امروزی چون در شمال زندگی کرده‌اند، از نظر جسمی و فرهنگی برتر شده‌اند، و جنوبی‌ها چون در جنوب زندگی می‌کرده‌اند، از نظر جسمی، فکری و فرهنگی حقیر شده‌اند و مانده‌اند و تا زمانی که در جنوب زندگی کنند به همان صورت خواهند ماند. تحقیقات و نظریات **لامارک (J. B. Lamarck 1744-1829)** درباره علل **تکامل** موجودات زنده و تفاوت‌های آنها، پایه علمی نظریه پیدایش **نژادهای انسانی** بر اثر متفاوت بودن شرایط محیط زیست شد (3).

به نظر لامارک، مشخصات جسمانی هر موجود زنده اعم از گیاهی یا حیوانی، تحت تأثیر شرایط محیط زیست و به علت به کار بردن یا به کار نبردن اعضا حاصل می‌شود و این مشخصات به صورتی ارثی تا زمانی که شرایط محیط زیست تغییر نکرده، منتقل می‌گردد اما اگر شرایط محیط زیست تغییر کند - برای مدتی طولانی - مشخصات ظاهری نیز تغییر خواهد کرد.

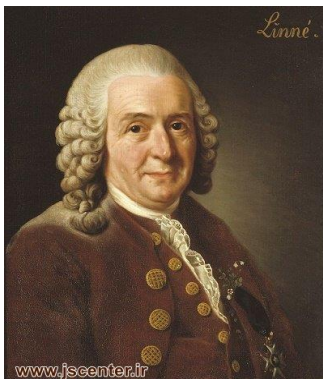
د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوالي په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

توجیه تفاوت‌های جسمی و فکری و فرهنگی گروه‌های انسانی، بر اثر شرایط محیط زیست با تحقیقات **کارل لینه** (1778-1778) در عالم گیاهان و جانوران و تقسیم بندی موجودات زنده بر اساس مشخصات ظاهری قوت و دامنه بیشتری یافت.

لینه نه فقط گیاهان و جانوران بلکه نوع انسان را نیز بر حسب مشخصات ظاهری (رنگ پوست) به اروپایی (سفید)، آمریکایی (سرخ)، آفریقایی (سیاه)، و آسیایی (زرد لیمویی)، تقسیم می‌نمود. **لینه** در تحقیقات خود صفات و مشخصات جسمی گروه‌های انسانی مانند، رنگ پوست، مو، چشم و بینی، حالت بدن را با صفات و مشخصاتی مانند فضائل اخلاقی، شیوه رفتار، فرهنگ، و حتی طرز لباس پوشیدن و آداب و رسوم در یک ردیف قرار می‌داد. به نظر او **آمریکایی‌ها** تندخو و مخترع، **اروپایی‌ها** فرمان‌بردار قانون، **آسیایی‌ها** مالیخولیایی، **تجمل‌پرست** و **پول‌دوست** و **آفریقایی‌ها** بدجنس و تنبل هستند که با زور و جبر بر آنان حکومت می‌شود (4).



کارل لینه

طرز تفکر، اندیشه و تقسیم‌بندی لینه در بسیاری از محافل و مجامع فرهنگی و علمی اروپایی رسوخ و شیوع یافت و می‌توان گفت اساس و بنیاد «**نژادشناسی**» طبقات حاکم و فرهنگ تجاوز جوامع **سرمایه‌داری** قرون بعدی به مستعمرات گردید.

ژرژ بوفون جانورشناس فرانسوی (1707-1788) **Georg Louis Leclerc de Buffon** به وجود اجداد اولیه مشترک و واحد برای همه گروه‌های انسانی اعتقاد داشت و در توجیه تفاوت‌های جسمی و فرهنگی **نژادها** معتقد بود که **صفات نژادی** طی سالیان متمادی تحت اثر عوامل طبیعی، آب و مواد غذا و طرز زندگی ایجاد شده و در این رابطه اثر **شرایط اقلیمی (Klima)** را مهمترین عامل می‌دانست.

در رده‌بندی نوع انسان، بوفون معتقد بود که ساکنان اروپای غربی در اوج و قله این رده‌بندی، اروپایی‌های دیگر در مرحله‌ای پایین‌تر، سپس ساکنان آسیا و آفریقا و در پایین‌ترین مرحله بردگان (ساکنان آفریقا که با زور و جبر بوسیله اروپاییان «متمدن» شکار و برای کار ارزان به آمریکای شمالی فرستاده شده بودند) در آمریکا قرار دارند. بوفون در آثارش از گروه‌های انسانی در آسیا و آفریقا، با تحقیر یاد می‌کند و می‌نویسد که **استرالایی‌های بینوا** شاید نزدیکترین نوع انسان به حیوان و آمریکایی‌ها (ساکنان اولیه) در رده‌بندی حیوانات مقام اول را دارند.



ژرژ بوفون؛ جانورشناس فرانسوی

به نظر بوفون موجودات زنده‌ای که بتوانند با آمیزش تولید نسل کنند و نسلشان ادامه یابد، یک نوع را می‌سازند، به این جهت انسان‌ها نیز یک نوع را می‌سازند، و در توضیح و تشریح این نکته می‌نویسد که **اگر سیاهان و سفیدها نتوانند با هم تولید نسل کنند ... دو نوع مختلف خواهند بود. نسبت سیاهان به انسان مانند نسبت الاغ به اسب خواهد بود یا این‌که اگر سفیدها انسان باشند سیاهان از نوع متفاوتی خواهند بود مانند میمون (5).**

فرانسوا ولتر (1694-1778) **Francois Arouet Voltaire** از بزرگان دوره روشنگری در فرانسه، از نویسندگان دایرةالمعارف و از مخالفان فئودالیسم و امتیازات روحانیون و اشراف، جانبدار آزادی‌های اجتماعی و فردی مانند آزادی اندیشه و بیان، از پیش‌قروالان فکری انقلاب فرانسه و مؤسس تاریخ نویسی جدید، چون **بوفون** معتقد به **طبیعت نزدیک به حیوان نژادهای پست انسانی** بود. (البته نژادهایی که سفید و اروپایی نیستند).

سطح فکر و شخصیت واقعی **ولتر** زمانی معلوم می‌شود که به نظریاتش درباره‌ی گروه‌های انسانی خارج از قاره اروپا توجه شود. هر زمان که **ولتر** درباره‌ی زنان و مردان سیاه پوست سخن می‌گفت از ذکر این نکته صرف نظر نمی‌کرد که **سر سیاهان از پشم (مانند گوسفند) پوشیده شده نه از مو** و معتقد بود اگر مردان و زنان سیاه پوست به سرزمین‌های با آب و هوای سرد هم فرستاده شوند، مانند همیشه به تولید حیواناتی از نوع خود ادامه خواهند داد.

ولتر در توضیح طبیعت ساکنان آفریقا می‌نویسد «این امر که در آب و هوای گرم، میمون‌های انسان‌نما (**Apes**) دخترها را به خود جلب و جذب کرده باشند غیرمحمّل نیست». این نظر نشان‌دهنده‌ی عمق فاجعه فکری **ولتر** است که نه تنها او بلکه بخش عمده‌ای از روشنفکران متمدن اروپایی بدان دچار بوده‌اند و هستند؛ وقتی سخن از **نژاد سفید** و اروپاییان در میان است این روشنفکران از انسان و حقوق انسانی سخن می‌گویند، اما به نظرشان قاره‌های دیگر و انسان‌های با مشخصات جسمی دیگر، حیوانی بیش نیستند. هنوز هم در بسیاری از محافل علمی و فرهنگی و مطبوعاتی اروپا، عده زیادی دچار این بیماری فکری می‌باشند.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

فرانسوا ولتر؛ فیلسوف فراماسون!

ولتر معتقد بود که گروه‌های انسانی منشأ و خلقت جدا از هم داشته اند و می‌نویسد من در قضاوت‌م اطمینان دارم که آنچه درباره گیاهان حقیقت دارد در مورد انسان هم صادق است. درختان ناک، کاج، بلوط، زردآلو، از یک گیاه حاصل نمی‌شود و این امر تأیید می‌کند که انسان سفید فعال با سیاهان **سر پشمی**، آسیایی‌های غیر فعال با ارواح مردگان‌شان، نمی‌توانند (اولاد) یک انسان باشند (6).



به نظر **امانوئل کانت** (1724-1804) همه افراد انسانی از یک نوع هستند زیرا می‌توانند با هم آمیزش و تولیدنسل کنند و همه انسان‌ها یک منشأ و مبدأ دارند، اما به علت و تحت تأثیر شرایط محیط زیست چهار نژاد با مشخصات جسمانی متفاوت به وجود آمده است:

- 1) سفید در شمال اروپا (سرمای مرطوب)
- 2) سرخ (سرخ مسی) در آمریکا (سرمای خشک)
- 3) سیاه سندن و گامبیا (گرمای مرطوب)
- 4) زرد زیتونی، هندی‌ها (گرمی خشک) (7).

مجموعه سفرنامه‌ها، داستان‌ها، قصه‌ها، نقاشی‌ها و عکس‌هایی که با صحنه سازی در کارگاه‌های عکاسی یا خارج از آنها از مردم قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکا بعنوان **وحشیان و آدمخواران** از جانب **سپاحان اروپایی** تهیه شده و برای جلب مشتری همراه با افسانه‌ها، و تصورات و تحریف‌های فراوان به مردم جوامع اروپای غربی در طول چند قرن عرضه شده و به تدریج به صورت بخشی از باورها و اعتقادات ثابت ساکنان کشورهای اروپای غربی درآمده، مادر اصلی **انسان‌شناسی (Anthropologie)** و **مردم‌شناسی (Ethnologie)** می‌باشد.

میان انسان‌شناسی و مردم‌شناسی با **فرضیه‌های نژادی** فاصله چندانی وجود ندارد، و هیچ فرضیه نژادی درباره انسان وجود ندارد که محتوا و موضوع اصلی آن کوشش برای اثبات برتری فکری و فرهنگی یک گروه انسانی بر اثر مشخصات جسمی و ظاهری بر دیگر گروه‌های انسانی نباشد.

مفهوم و کلمه **نژاد** در ادبیات تاریخی انگلستان از اوایل قرن شانزدهم برای توضیح تاریخ اروپا در رابطه با تشکیل ملت‌ها به کار می‌رفت و مراد از آن تکیه بر صفات مشترک، منشأ و مبدأ مشترک گروه‌های انسانی بود که با هم یک ملت را می‌ساختند، بدون اینکه بر مشخصات جسمی و روانی تکیه شود. اما از قرن 18 کلمه و مفهوم **نژاد** تعریف دیگری یافت و برای **رده‌بندی گروه‌های انسانی** از نظر جسمی و فرهنگی و فکری به کار گرفته شد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Conze, Werner, a.a.o., S.42/143.
- 2- Ferguson, Adam, Versuch über die Geschichte der bürgerlichen Ge-sellschaft (1763), (Hrsg) Zwi Batscha / Hans Medick, (Reprint), Frankfurt, 1988, S.141 u.256.
- 3- روانسانی، شاپور، فرضیه‌های تکامل، تهران 1344.
- 4- Goerke, Heinz, Carl Linné, Stuttgart, 1966.
- Carl Linné, Leipzig, 1978.
- Lepenies, Wolf, Autoren und Wissenschaftler im 18. Jahrhundert, München, 1988.
- Mosse, George, Geschichte des Rassismus in Europa Königsstein, Taunus 1978 S.45.
5. Conze, a.a.o., S. 145/146.
- Lepenies, a.a.o., S.63-89.
- Todorov, Tzvetan, On Human Diversity. Nationalism, Racism and Ex-oticsm in French Thought, Massachussets, 1994, S. 96-106
- Mosse, George, a.a.o., S.44.
- 6- Todorov, a.a.o., S. 101.
- 7- Mosse, a.a.o., S.45/55.
- Kant, Imanuel, Von den verschiedenen Racen der Menschen (1775), in: Kant's Gesammelte Schriften, Berlin, S.441.
- Conze, a.a.o., S.147/148.

منبع: شاپور روانسانی، نادرستی فرضیه‌های نژادی آریا، سامی و ترک، تهران: نشر دانشکده اطلاعات.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ